

رویه و تهافت آراء قضایی نزد دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران در امور کیفری (پاییز و زمستان ۱۳۹۱)

ابوالفضل یوسفی *

• رویه محاکم تجدیدنظر استان تهران در خصوص ارزش اثباتی تصاویر ضبط‌شده از طریق دوربین مداربسته

در مواردی که برای اثبات انتساب بزه ضرب و جرح عمدی به متهم به تصاویر ضبط‌شده از طریق دوربین‌های مداربسته استناد می‌شود، غالباً محاکم تجدیدنظر فیلم را بازبینی و به‌عنوان اماره قضایی مورد استناد قرار می‌دهند. به‌طور مثال، شعبه ۴۱ دادگاه تجدیدنظر در تأیید دادنامه شماره ۰۰۳۰۸ مورخ ۱۳۹۱/۰۳/۱۰ صادره از شعبه ۱۰۵۲ دادگاه عمومی جزایی تهران^۱ و شعبه ۲۷ دادگاه تجدیدنظر در رد دادنامه شماره ۰۳۲۹ مورخ ۱۳۹۱/۰۵/۱۸ صادره از شعبه ۱۱۸۶ دادگاه عمومی جزایی تهران، چنین رویه‌ای داشته‌اند.^۲

• رویه محاکم تجدیدنظر استان تهران در خصوص تأثیر قرابت در ارزش اثباتی شهادت شاهد

در مواردی که شاهد رابطه سببی یا نسبی با استنادکننده به شهادت دارد، رویه محاکم تهران در تعیین ارزش اثباتی شهادت شاهد متفاوت است. بعضی محاکم شهادت چنین شهادتی را بدون توجه به قرابت، استماع و مستند رأی قرار می‌دهند در حالی که برخی شعب، وجود قرابت را شائبه برتبانی دانسته و ارزش

*. دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی و عضو گروه کیفری مطالعات و استخراج رویه قضایی کشور (وابسته به پژوهشگاه قوه قضاییه).

Yusefi_9@yahoo.com

۱. مجموعه آرای قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر (کیفری) سال ۱۳۹۱، پژوهشگاه قوه قضاییه، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، چ اول (۱۳۹۲)، ص ۳-۴.
۲. منبع پیشین، ص ۳۰۵-۳۰۴.

اثباتی برای شهادت شاهد قائل نمی‌شوند. به‌طور مثال، شعبه ۲۷ دادگاه تجدیدنظر در تأیید دادنامه شماره ۰۱۱۴۵ مورخ ۱۳۹۱/۰۹/۲۷ صادره از شعبه ۱۱۵۳ دادگاه عمومی تهران، شهادت شاهد دارای قرابت را پذیرفته است،^۱ اما شعبه ۵۵ دادگاه تجدیدنظر در تأیید دادنامه شماره ۱۷۰۵ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۱۶ صادره از شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی جزایی شهریار، شهادت شاهد دارای قرابت را فاقد ارزش اثباتی تلقی کرده است.^۲ این اختلاف خود گویای وجود اختلاف در محاکم بدوی نیز می‌باشد.

• اختلاف نظر دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران در خصوص فروش ملک

مرهونه

دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران در خصوص وصف کیفی داشتن یا نداشتن فروش ملک مرهونه اختلاف نظر داشته و آراء متضاد صادر کرده‌اند. توضیحا آنکه گاهی فروشنده بدون اطلاع قبلی خریدار، مال را در رهن بانک قرار می‌دهد و گاهی رهن مال مرهونه را بدون اجازه مرتهن به دیگری منتقل می‌کند. در مقام رسیدگی، برخی شعب دادگاه تجدیدنظر اعتقاد دارند عقد رهن مالکیت عین یا منفعت را منتقل نمی‌کند و فاقد وصف کیفی است، در حالی که برخی شعب دادگاه تجدیدنظر بر این باور هستند که عمل متهم مصداق بزه کلاهبرداری است. تفصیل دلایل و مبانی استدلالی مذکور در آراء این محاکم به شرح ذیل است:

۱. شعبه ۳۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در رأی شماره

۹۱۰۹۹۷۰۲۲۳۱۰۱۵۹۵ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۳۰،^۳ رأی شعبه ۱۱۷۱ دادگاه

عمومی جزایی تهران را تأیید کرده است. به‌موجب دادنامه دادگاه بدوی،

فردی به اتهام کلاهبرداری از طریق فروش ملکی که در رهن بانک بوده

است به استناد ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و

۱. منبع پیشین، ص ۳۰۶-۳۰۵.

۲. منبع پیشین، ص ۵-۴.

۳. مجموعه آرای قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (کیفری) بهمن ۹۱، پژوهشگاه قوه

قضاییه، اداره انتشار رویه قضایی کشور، چ اول، ص ۷۹.

کلاهبرداری^۱ به تحمل حبس و پرداخت جزای نقدی محکوم گردیده و در خصوص رد مال نیز مقرر شده است نظر به اینکه فروش ملکی که در رهن بوده است موجب خروج مالکیت خریدار نمی‌گردد، لذا موجبات برای صدور حکم بر رد مال فراهم نمی‌باشد. دادگاه تجدیدنظر در مقام رسیدگی به تجدیدنظر خواهی از دادنامه مذکور، ضمن پذیرش میانی استدلال دادگاه بدوی، دادنامه معترض‌عنه را تأیید کرده است. همچنین شعبه ۵۴ دادگاه تجدیدنظر نیز به موجب دادنامه شماره ۰۵۳۲ مورخ ۱۳۹۱/۰۴/۲۶^۲ ضمن نقض دادنامه شماره ۰۰۸۰۸ مورخ ۱۳۹۰/۰۸/۱۷ شعبه ۱۰۸۷ دادگاه عمومی جزایی تهران، در خصوص اتهام ترهین سند مشاع، عمل متهم را در حکم کلاهبرداری از طریق فروش مال غیر تلقی و با احراز بزه انتسابی متهم را به تحمل حبس، رد مال و جزای نقدی محکوم کرده است. بنابراین، این دسته از محاکم عقد رهن را با شرایط پیش‌گفته، مجرمانه دانسته و حکم به محکومیت صادر می‌کنند. نکته در خور توجه آن است که این محاکم در خصوص حکم بر رد مال اختلاف نظر دارند.

۲. در مقابل دیدگاه فوق، رویکرد دیگری میان محاکم تجدیدنظر استان تهران وجود دارد که عمل متهم را فاقد وصف کیفری می‌داند. به‌طور مثال، شعبه ۴ دادگاه تجدیدنظر به موجب دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۰۴۰۱۹۱۷ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۷^۳، در تأیید دادنامه شماره

۱. ماده ۱ - هرکس از راه حيله و تقلب مردم را به وجود شرکت‌ها یا تجارتخانه‌ها یا کارخانه‌ها یا مؤسسات موهوم یا به داشتن اموال و اختیارات واهی فریب دهد یا به امور غیرواقعی امیدوار نماید یا از حوادث و پیش‌آمدهای غیرواقعی بترساند و یا اسم و یا عنوان مجعول اختیار کند و به یکی از وسایل مذکور و یا وسایل تقلبی دیگر وجوه و یا اموال یا اسناد یا حوالجات یا قبوض یا مفاصحا حساب و امثال آنها تحصیل کرده و از این راه مال دیگری را ببرد کلاهبردار محسوب و علاوه بر رد اصل مال به صاحبش، به حبس از یک تا هفت سال و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می‌شود.

۲. مجموعه آرای قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (کیفری) دی ۹۱، پژوهشگاه قوه

قضاییه، اداره انتشار رویه قضایی کشور، چ اول، ص ۵۳.

۳. مجموعه آرای قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (کیفری) اسفند ۹۱، پژوهشگاه قوه

قضاییه، اداره انتشار رویه قضایی کشور، چ اول، ص ۴۴.

۳۰۷۳۶ مورخ ۱۳۹۱/۰۸/۲۳ صادره از شعبه ۱۱۶۳ دادگاه عمومی جزایی تهران، در خصوص اتهام فردی مبنی بر فروش مال غیر مقرر داشته است: فروش مال مرهونه به دلیل زائل نشدن مالکیت مالک مجرمانه نیست. همچنین، شعبه ۵۳ دادگاه تجدیدنظر در مقام اعاده دادرسی نسبت به دادنامه شماره ۰۵۳۲ مورخ ۱۳۹۱/۰۴/۲۶ اصداری از شعبه ۵۴ دادگاه تجدیدنظر تهران، ذیل دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۶۹۶۰۰۹۴۵ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۹، چنین استدلال کرده است: ماحصل اتهام دادخواه عبارت است از رهن گذاردن سند ملکی خود صرف نظر از مشاعی بودن آن با اینکه سابقاً اقدام به مبیعه‌نامه عادی با دادخوانده نموده است، اساساً ماده استنادی دادگاه تجدیدنظر (ماده یک قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر) در هنگامی است که کسی مال غیر را با علم به اینکه مال غیر است به نحوی از انحاء عیناً یا منفعتاً بدون مجوز قانونی به دیگران منتقل نماید در حالی که أخذ وام نه انتقال عین است نه منافع، بلکه همان طوری که از تعریف رهن در ماده ۷۷۱ قانون مدنی نیز مستفاد است، رهن عقدی است که به موجب آن مدیون مالی را برای وثیقه به داین می‌دهد. در واقع توثیق ملک در جهت دریافت امتیاز وام بر اساس عقد رهن نمی‌تواند انتقال قهری ملک یا منافع به طوری که در تعریف ماده یک قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر آمده محسوب گردد؛ از سوی دیگر اقدام دادخواه پرونده کلاهبرداری نیز محسوب

۱. مجموعه آرای قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (کیفری) دی ۹۱، پژوهشگاه قوه قضاییه، اداره انتشار رویه قضایی کشور، چ اول، ص ۵۳.
۲. ماده ۱ - کسی که مال غیر را با علم به اینکه مال غیر است به نحوی از انحاء عیناً یا منفعتاً بدون مجوز قانونی به دیگری منتقل کند کلاهبردار محسوب و مطابق ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی محکوم می‌شود. همچنین است انتقال گیرنده که در حین معامله عالم به عدم مالکیت انتقال دهنده باشد. اگر مالک از وقوع معامله مطلع شده و تا یک‌ماه پس از حصول اطلاع اظهاریه برای ابلاغ به انتقال گیرنده و مطلع کردن او از مالکیت خود به اداره ثبت اسناد یا دفتر بیدایت یا صلحیه یا یکی از دوایر دیگر دولتی تسلیم ننماید معاون مجرم محسوب خواهد شد - هر یک از دوایر و دفاتر فوق مکلفند در مقابل اظهاریه مالک رسید داده آنرا بدون فوت وقت به طرف برسانند.

نمی‌شود، زیرا، اطلاق کلاهبرداری هنگامی صادق است که متهم متوسل به شیوه‌های متقلبانه گردد برای بردن مال غیر. با نگرش به مصادیق مقید در ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری از قبیل داشتن اختیارات و امورات واهی، امیدوار نمودن به امور غیر واقع یا ترساندن از حوادث و پیش‌آمدهای غیر واقعی، جعل اسم یا عنوان، هیچ‌یک از این شقوق بر رفتار و عمل دادخواه که صرفاً أخذ وام بوده، انطباق نداشته که مستحق مجازات باشد. بنابه مراتب، دادگاه عمل دادخواه را فاقد وصف مجرمانه تلقی می‌نماید.

• اختلاف نظر دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران در خصوص تحقق بزه

تصرف عدوانی در اموال مشاع

دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران در خصوص تحقق بزه تصرف عدوانی در اموال مشاع اختلاف نظر داشته و آراء متهافتی صادر کرده‌اند. توضیحا آنکه برخی از محاکم بر این باور هستند که مالکیت متهم در مال مشاع، مانع از تحقق بزه تصرف عدوانی نیست در حالی که برخی دیگر از محاکم عقیده دارند به دلیل مالکیت متهم در مال مشاع، عنصر مادی جرم مخدوش است. تفصیل دلایل و مبانی استدلالی مذکور در آراء این محاکم به شرح ذیل است:

۱. شعبه ۵۸ دادگاه تجدیدنظر^۱ مبادرت به تأیید دادنامه شماره ۰۰۲۲۹ مورخ ۱۳۹۱/۰۲/۳۱ صادره از شعبه ۱۱۵۲ دادگاه عمومی جزایی با موضوع محکومیت فردی به اتهام تصرف مشاعات کرده است. در این پرونده علی‌رغم احراز مالکیت مشاع متهم، دادگاه مستند به نظریه کارشناسی و احداث بنا در مشاعات توسط متهم، رفتار وی را مجرمانه و مستحق مجازات تشخیص داده است.

۱. مجموعه آراء قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (کیفری) شهریور ۹۱، پژوهشگاه قوه قضاییه، اداره انتشار رویه قضایی کشور، چ اول، ص ۲۹.

۲. در مقابل این دیدگاه، رویکرد دیگری میان محاکم تجدیدنظر استان تهران وجود دارد. به‌طور مثال، شعبه ۵۵ دادگاه تجدیدنظر^۱، مبادرت به نقض دادنامه شماره ۱۰۳۴ مورخ ۱۳۹۰/۰۸/۳۰ اصداری از شعبه ۱۱۲۴ دادگاه عمومی جزایی تهران کرده است. توضیحا آنکه دادگاه بدوی در خصوص اتهام فردی دایر بر تصرف عدوانی نسبت به مشاعات، بدون اثربخشی به مالکیت مشاع متهم و به استناد احراز ارکان و شرایط تحقق بزه انتسابی و لحوق عدوانی بودن تصرف، وی را محکوم کرده بود اما شعبه ۵۵ دادگاه تجدیدنظر در مقام رسیدگی به درخواست تجدیدنظر، به دلیل مالکیت مشاعی متهم، حکم برائت صادر کرد.

● اختلاف نظر دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران در خصوص ارزش اثباتی

تست الکل‌سنج

دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران در خصوص ارزش اثباتی تست الکل‌سنج اختلاف نظر داشته و آراء متناقضی صادر کرده‌اند. توضیحا آنکه برخی از محاکم بر این باور هستند که تست الکل‌سنج می‌تواند بزه شرب خمر را اثبات کند در حالی‌که برخی دیگر معتقدند تست الکل‌سنج و گواهی پزشکی نمی‌تواند بزه شرب خمر را اثبات کند. تفصیل دلایل و مبانی استدلالی مذکور در آراء این محاکم به شرح ذیل است:

۱. شعبه ۲۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران^۲، مبادرت به تأیید دادنامه شماره ۰۰۱۱۴ مورخ ۱۳۹۱/۰۲/۰۴ صادره از شعبه ۱۰۵۱ دادگاه عمومی جزایی تهران کرده است. در این پرونده، دادگاه بدوی در خصوص اتهام فردی دایر بر شرب خمر، مستند به نظریه آزمایشگاه دال بر وجود الکل در خون متهم بزه انتسابی را احراز و مجازات حد شرعی تعیین کرده که عینا مورد تأیید مرجع تجدیدنظر قرار گرفته است.

۲. در مقابل دیدگاه فوق، رویکرد دیگری میان محاکم تجدیدنظر استان تهران وجود دارد. به‌طور مثال، شعبه ۲۷ دادگاه تجدیدنظر استان

۱. منبع پیشین، ص ۲۸-۲۹.

۲. منبع پیشین، ص ۸۳.

تهران^۱، مبادرت به تأیید دادنامه شماره ۴۳۴ مورخ ۱۳۹۱/۰۴/۲۴ صادره از شعبه ۱۰۹۰ دادگاه عمومی جزایی تهران مبنی بر اینکه نظریه پزشکی قانونی به لحاظ احتمال خطا در أخذ و یا اعلام نتیجه آزمایش نمی‌تواند مصداق دلیل شرعی یا قانونی در اثبات حد باشد، کرده است. همچنین این شعبه تجدیدنظر^۲، مبادرت به نقض دادنامه بدوی شماره ۵۲۷ مورخ ۱۳۹۱/۰۵/۰۸ صادره از شعبه ۱۰۸۸ دادگاه عمومی جزایی تهران کرده است، زیرا، دادگاه بدوی حکم به محکومیت متهم به تحمل حد شرعی به دلیل شرب خمر مستند به تشخیص پزشکی قانونی و گزارش ضابطان قضایی داده بود.

• اختلاف نظر دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران در خصوص شرایط

تحقق بزه معامله به قصد فرار از ادای دین

دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران در خصوص شرایط تحقق بزه معامله به قصد فرار از ادای دین اختلاف نظر داشته و آراء متهافتی صادر کرده‌اند. توضیحا آنکه برخی از محاکم بر این باور هستند (با فرض عدم کفایت سایر دارایی‌های مدیون) معامله صوری متهم بعد از مطالبه دائن برای تحقق بزه کفایت می‌کند در حالی که برخی دیگر از محاکم اعتقاد دارند انجام معامله بعد از قطعیت حکم محکومیت مالی یا صدور اجرائیه ثبتی، مصداق معامله به قصد فرار از ادای دین است نه صرف مطالبه دین از طرف دائن. تفصیل دلایل و مبانی استدلالی مذکور در آراء این محاکم به شرح ذیل است:

۱. شعبه ۲۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران به موجب دادنامه شماره ۲۰۰۶۲۲۱۰۱۳۸۲ مورخ ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۲۱۰۱۳۹۱/۱۲/۱۲، دادنامه شماره ۲۰۰۶۲۲

۱. منبع پیشین، ص ۸۳-۸۴.

۲. منبع پیشین، ص ۸۴.

۳. مجموعه آرای قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (کیفری) اسفند ۹۱، پژوهشگاه قوه

قضاییه، اداره انتشار رویه قضایی کشور، چ اول، ص ۵۱.

مورخ ۱۳۹۱/۰۶/۰۶ اصداری از شعبه ۱۱۳۱ دادگاه عمومی جزایی تهران را عیناً تأیید کرده است. استدلال دادگاه بدوی در خصوص اتهام فردی دایر بر معامله به قصد فرار از ادای دین چنین بوده است: با توجه به اینکه متهم بعد از حادث شدن اختلاف خانوادگی و مطالبه مهریه توسط زوج، مبادرت به معامله صوری با نزدیکان خود و فروش اموال کرده است به لحاظ صوری بودن معاملات و انتقال اموال بعد از مطالبه طلب از طرف دائن، رفتار وی مجرمانه و مستحق مجازات مطابق ماده ۴ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی^۱ است. در این دیدگاه، قطعی بودن طلب شرط تحقق بزه نیست.

۲. در مقابل دیدگاه فوق، رویکرد دیگری میان محاکم تجدیدنظر استان تهران وجود دارد. بر این اساس، نقل و انتقالات متهم در فرضی مجرمانه است که سند لازم‌الاجرای الزام به پرداخت طلب، مقدم بر نقل و انتقالات صادر شده باشد. به طور مثال، شعبه ۳۴ دادگاه تجدیدنظر به موجب دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۳۴۰۲۰۱۴ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۱^۲، دادنامه شماره ۸۹۷ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۰۵ صادره از شعبه ۱۱۷۵ دادگاه عمومی جزایی تهران را عیناً تأیید کرده است. در دادنامه بدوی در خصوص اتهام فردی دایر بر معامله به قصد فرار از ادای دین چنین استدلال شده است: با توجه به اینکه موضوع دین ادعایی شاکی (مهریه) تاکنون مورد حکم (محکومیت مالی) هیچ محکمه‌ای قرار نگرفته یا منتهی به صدور اجرائیه ثبتی از سوی مراجع ذی صلاح نشده است، وصف شرایط بزه موضوع ماده ۴ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی محقق نشده است.

۱. این قانون در سال ۱۳۹۴ اصلاح شده است و ماده ۲۱ آن مقرر داشته است: انتقال مال به دیگری به هر نحو به‌وسیله مدیون با انگیزه فرار از ادای دین به‌نحوی که باقیمانده اموال برای پرداخت دیون کافی نباشد، موجب حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه شش یا جزای نقدی معادل نصف محکوم به یا هر دو مجازات می‌شود و در صورتی که منتقل‌الیه نیز با علم به موضوع اقدام کرده باشد در حکم شریک جرم است. در این صورت عین آن مال و در صورت تلف یا انتقال، مثل یا قیمت آن از اموال انتقال‌گیرنده به‌عنوان جریمه اخذ و محکوم‌به از محل آن استیفا خواهد شد.

۲. منبع پیشین، ص ۵۲.

• اختلاف نظر دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران در خصوص مجازات

جاعل و استفاده‌کننده از سند مجعول در راستای ارتکاب بزه کلاهبرداری

دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران در خصوص میزان مجازات جاعل و استفاده‌کننده از سند مجعول در راستای ارتکاب بزه کلاهبرداری اختلاف نظر داشته و آراء متهافتی صادر کرده‌اند. توضیحا آنکه برخی محاکم هر سه عنوان را بزه مستقل تلقی می‌کنند، برخی دیگر استفاده از سند مجعول را جرم مقدمه برای کلاهبرداری می‌دانند و برخی دیگر جعل و استفاده از سند مجعول را مقدمه ارتکاب بزه کلاهبرداری محسوب می‌کنند. تفصیل دلایل و مبانی استدلالی مذکور در آراء این محاکم به شرح ذیل است:

۱. شعبه ۲۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران^۱، با تأیید دادنامه شماره ۰۸۹۸/۰۷/۱۳۹۱/۰۸ صادره از شعبه ۱۱۰۵ دادگاه عمومی جزایی تهران،

معتقد است جعل، استفاده از سند مجعول و کلاهبرداری هر کدام واجد مجازات مستقل بوده و تداخل نمی‌کنند.^۲ همچنین شعبه ۴۸ دادگاه تجدیدنظر به موجب دادنامه شماره ۰۱۷۳۹/۲۲۴۸۰۲۲۴۸۰۹۹۷۰۹۱۰ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۸^۳ نظر مشابهی را اعلام داشته است.

۲. به‌عنوان دیدگاه دوم در خصوص موضوع مطروحه، شعبه ۳۹ دادگاه

تجدیدنظر استان تهران به موجب دادنامه شماره ۰۱۲۴۴/۲۲۳۹۰۲۲۳۹۰۹۹۷۰۹۱۰ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۲۰^۴، در نقض جزئی دادنامه شماره ۸۹۴ مورخ ۱۳۹۰/۰۹/۰۶ صادره از شعبه ۱۰۲۱ دادگاه عمومی جزایی تهران مقرر داشته است استفاده از سند مجعول مقدمه و در راستای بزه کلاهبرداری

۱. منبع پیشین، ص ۱۸-۱۹.

۲. بر اساس قانون مجازات ۱۳۹۲ در باب تعدد جرم، این دیدگاه معتقد است موضوع مشمول تعدد مادی با ارتکاب سه جرم است.

۳. منبع پیشین، ص ۱۹.

۴. مجموعه آرای قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (کیفری) دی ۹۱، پژوهشگاه قوه قضاییه، اداره انتشار رویه قضایی کشور، چ اول، ص ۳۳-۳۵.

بوده و مجازات مستقل ندارد.^۱ همچنین این موضع را شعبه ۲۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران به موجب دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۳۳۰۱۴۶۳ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۰۷، اعلام داشته است.

۳. سومین دیدگاه در این خصوص در رویه شعبه ۳۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران قابل مشاهده است. این شعبه به موجب دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۳۹۰۱۲۸۵ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۰۲، در نقض جزئی دادنامه شماره ۹۱/۷۸۴ شعبه ۱۱۶۷ دادگاه عمومی جزایی تهران مقرر داشته است جعل و استفاده از سند مجعول مقدمه ارتکاب بزه کلاهبرداری بوده و مجازات مستقل ندارند.^۴

۱. بر اساس این دیدگاه و به موجب مقررات قانون مجازات ۱۳۹۲، موضوع مشمول قواعد تعدد مادی با ارتکاب دو جرم است.

۲. مجموعه آرای قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (کیفری) بهمن ۹۱، پژوهشگاه قوه قضاییه، اداره انتشار رویه قضایی کشور، چ اول، ص ۴۳-۴۴.

۳. منبع پیشین، ص ۴۱-۴۲.

۴. بر اساس قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، در خصوص موضوع مطروحه مقررات تعدد جرم و تشدید مجازات قابل اعمال نخواهد بود.